

به استقبال آینده باید رفت

سامان بیگدلی
کارشناس حقوقی



قُقَنُوس
K U K N O S

بررسی فقهی و حقوقی رمزارزها با تمرکز بر ارز دیجیتال بانک مرکزی

به استقبال آینده باید رفت

جهان فقه و حقوق، دنیای اعتبار است. فقیه اگر در پی استخراج حکم از آموزه‌های شرعی است و حقوق‌دان اگر می‌کوشد با جعل و وضع قاعده حقوقی، به تنظیم روابط افراد در اجتماع نایل آید، پادر عالم «باید»ها گذاشته‌اند. گستره عالم اعتباریات تا به آنجاست که بیراهه نیست اگر گفته شود انسان عین جعل است. اما جولان در «جعل»ها فقیه و حقوق‌دان را یکسره از نظر به «واقعیات» بی‌نیاز نمی‌کند. فقیه و حقوق‌دان نظر به «هست‌ها» دارد و روبه‌سوی وضع «بایدها».

سامان بیگدلی
کارشناس حقوقی



نظام حقوقی ایران هم از دیرباز، فقیه و حقوق‌دان راه، هرچند چون دو پادشاه در یک اقلیم، اما در کنار یکدیگر دیده تا به یاری هم، و پایه‌پای جلورفت وقایع، عالم «جعلیات» را در عرض «فکت»‌ها ببینند و انطباق این دو را بیش از پیش ممکن سازند. شریعت اسلامی نیز با تغییر و تکامل بیگانه نیست که فقه پویا و لزوم چاره‌اندیشی در خصوص مسائل مستحدث، پرده از لزوم همین همگامی و همپایی برمی‌دارد.

انقلاب اطلاعات و پیشرفت فناوری، زمینه و زمانه امروز ما را چنان دستخوش دگرگونی کرده که غفلت از آن، نتیجه‌ای جز وهن نظام حقوقی در پی نخواهد داشت. حقوق‌دان باید از برج عاج محافظه‌کاری و جزم‌اندیشی پایین بیاید و چون نوآموزی در پی کشف وقایع و تغییرات زمانه، بکوشد با این قافله هم‌راستا شود؛ حتی به قیمت حیرانی در آغاز راه.

توسعه دانش رمزنگاری یکی از این عرصه‌هاست که در دوره اخیر زمینه ایجاد اصلاحات اساسی در ساختار نظام‌های اقتصادی، مالی و پولی را فراهم کرده و منجر به شکل‌گیری پدیده‌های نوینی چون رمزارزها و توکن‌ها شده است. تحولات جهانی و توسعه روزافزون رمزارزها در سطح بین‌المللی، نظام‌های حقوقی و قانون‌گذاری را بر آن داشته تا ضمن اشراف کامل بر ابعاد موضوعی، کمر بر تمشیت جوانب حقوقی آن بربندند. بر همین اساس، نظام حقوقی ایران نیز، تلاش‌هایی را در راستای موضوع‌شناسی، سنجش مزایا و مخاطرات و در نهایت تقنین و ریل‌گذاری معمول داشته که به دلیل ابهامات فقهی، عمدتاً در همان مراحل اولیه متوقف مانده است.

این چالش اما برای نظام حقوقی ایران، چیز تازه‌ای نیست. نمونه‌های بی‌شماری از این دست نزاع‌ها را می‌توان در تاریخ تقنین در ایران سراغ گرفت. مقاومت فقه در برابر «مال» دانستن حقوق و منافع و دستاوردهای علمی و هنری از همین جمله است.

موضوع‌شناسی، مفاهیم و مبانی

رمزارز یکی از جدیدترین نوآوری‌ها در عرصه فناوری‌های مالی است که روندی تکاملی و پرشتاب را دنبال می‌کند و به نظر می‌رسد با طراحی خلاقانه بتواند نظام‌های مالی را دستخوش تغییر کند. رمزارزها پروتکل‌هایی ضروری هستند که در طراحی آن‌ها از فناوری رمزنگاری استفاده شده و امکان اعتبارسنجی تراکنش‌ها را بدون نیاز به شخص ثالث قابل اطمینان مانند یک بانک، شرکت، کارت اعتباری یا مراکز ثبت فراهم می‌کنند. پیش از پرداختن به چالش‌های فقهی و حقوقی رمزارزها و بالاخص ارز دیجیتال بانک

مرکزی، آشنایی اجمالی با اصطلاحات و مفاهیم این حوزه ضروری است. ارز دیجیتال عام‌ترین مفهوم این حوزه است. ارزهای دیجیتال به صورت الکترونیکی ذخیره و منتقل می‌شوند و غیر ملموس هستند؛ مانند موجودی حساب در کارت بانکی که نماینده اسکناس‌های رایج ولی با سازوکاری غیر فیزیکی است. ارز مجازی زیرمجموعه‌ای از ارز دیجیتال است؛ این نوع ارز لزوماً با پول بانکی ارتباط ندارد؛ این ارزها از یک منظر، به قابل تبدیل و غیرقابل تبدیل تقسیم می‌شوند. ارز مجازی غیرقابل تبدیل امکان تبدیل شدن به پول‌های رایج بانکی را ندارد؛ همانند پول‌هایی که در بازی‌های کامپیوتری وجود دارند و تنها امکان استفاده در محیط بازی برای آن‌ها متصور است.

ارزهای مجازی قابل تبدیل خود به دو گروه متمرکز و غیرمتمرکز تقسیم می‌شوند. مشهورترین مثال برای ارزهای مجازی قابل تبدیل «وب‌مانی» است. بر اساس دسته‌بندی صندوق بین‌المللی پول، نهایتاً آن دسته از ارزهای مجازی قابل تبدیل که غیرمتمرکز نیز هستند، رمزارز تعریف شده‌اند. به عبارت بهتر، رمزارز همچون بیت‌کوین نوعی ارز مجازی است که از قابلیت تبدیل شدن به پول رایج برخوردار است و هیچ‌گونه وابستگی به یک نهاد مرکزی همچون بانک مرکزی ندارد؛ لذا توجه به این نکته ضروری است که همه رمزارزها ارز مجازی و ارز دیجیتال هستند، ولی برعکس آن لزوماً صادق نیست.

توکن نیز نماینده یک دارایی تأییدشده و دارای ارزش مانند ارز، طلا، حواله، آیتم‌های بازی‌های کامپیوتری و... است. به عبارت دیگر، توکن یک موجودیت رمزینده است که یک ارزش واقعی یا مجازی را در بستر پلتفرم زنجیره‌بلوک نمایندگی می‌کند. در واقع، می‌توان گفت که معمولاً رمزارزها توکن هستند، ولی توکن‌ها لزوماً رمزارز نیستند. در پژوهش‌های این حوزه عموماً این دو مفهوم معادل هم تصور می‌شوند؛ درحالی‌که رمزارز صرفاً نوع خاصی از توکن است.

طبق گزارش پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در خصوص رمزارزها و توکن‌ها، CBDC یا همان ارز دیجیتال بانک مرکزی، شکل الکترونیکی همان پولی است که توسط بانک مرکزی خلق و صادر می‌شود و قابلیت آن را دارد که منطبق بر اصول رمزنگاری، در یک بستر توزیع‌شده و به صورت فردبه‌فرد بدون دخالت هیچ نهاد واسطه پرداخت تبادل شود. این نوع رمزارز به پشتوانه پول ملی کشور (ریال) صادر می‌شود.

با این مقدمه، بپردازیم به مسائل فقهی.

ابعاد فقهی رمزارزها با تمرکز بر ارز دیجیتال بانک مرکزی

ورود رمزارزها به نظام حقوقی ایران، همانند هر موضوع دیگری موکول بر انطباق با موازین فقهی است. فقیه معاصر برای حکم به جواز و مشروعیت بخشی به هر موضوع تازه‌ای به اصول و قواعد کلی فقهی رجوع و با کاربست آن، حکم نهایی را از دل شریعت استخراج می‌کند.

مؤیدات فقهی

اصل صحت و لزوم قراردادهای

بر اساس شریعت اسلام، اصل بر آن است که کلیه ابزارها و راهکارهای جدید که در زمان مختلف جهت پاسخ‌گویی به نیازهای هر عصر و دوره‌ای ابداع می‌شود، به لحاظ شرعی مورد تأیید است، مگر آنکه خلاف یکی از ضوابط شریعت (مانند ربا یا قمار) باشد. علاوه بر این، اصل اولی در قراردادهای «لزوم» است، مگر اینکه «جواز» یک قرارداد با دلیل خاص ثابت شود. با توجه به این مطلب، می‌توان این اصل را این‌گونه تعریف کرد: «عهد و پیمانی که از منظر عرف و عقلاً قرارداد و عقد محسوب شود، از دیدگاه شرع صحیح و لازم است؛ مگر اینکه دلیل خاص یا عامی برخلاف آن اقامه شود.»

اگر در آینده رمزارزها کارکرد پول پیدا کند و بتواند وظایف و کارکردهای اصلی پول شامل وسیله مبادله، معیار سنجش، ذخیره ارزش، و معیار پرداخت‌های معوق را ایفا کند، امکان پذیرش آن‌ها به عنوان پول به لحاظ شرعی با محدودیت خاصی مواجه نیست؛ چرا که اساساً پول مفهومی عرفی است و نه ابداع شریعت

ضرری بودن: ضرری بودن رمزارزهای جهان‌روا نه در سطح فردی نه در سطح اجتماع، امری قطعی محسوب نمی‌شود. در سطح فردی اگر افراد با اطلاع مناسب به خرید و فروش رمزارزهای جهان‌روا اقدام کنند و از این محل ضرری متوجه آن‌ها شود، از نوع پذیرش ریسک و انجام معاملات پر مخاطره محسوب می‌شود که در ذیل قاعده فقهی اقدام مطرح است و نمی‌توان آن را فعلی ضرری دانست. همان‌طور که افراد در بازارهای سرمایه و بدهی می‌توانند به خرید دارایی‌های مالی پرریسک اقدام کنند و این فعل را نمی‌توان الزاماً ضرری محسوب کرد. در سطح جامعه و حاکمیت نیز دلیلی وجود ندارد که معاملات رمزارزها را الزاماً ضرری محسوب کرد. همان‌طور که در بسیاری از کشورها رمزارزها به عنوان ابزار پرداخت، دارایی مالی و کالا جایگاه قانونی مشخص پیدا کرده‌اند و توسعه آن‌ها نه تنها ضرری برای کل اقتصاد و حاکمیت ایجاد نکرده، بلکه با کاهش هزینه‌های مبادلاتی و افزایش سرعت مبادلات، زمینه افزایش کارایی در بازارهای مالی را فراهم کرده است.

ربا و قمار: ربا در ذات این رمزارزها راه ندارد و می‌توان از رمزارزهای جهان‌روا در قالب معاملات غیر قرضی استفاده کرد. مسئله قمار نیز به طور ذاتی در رابطه با آن‌ها مطرح نیست؛ زیرا اگر بر اساس نظر مشهور فقهی قمار شامل دو حالت یعنی «بازی با وسایل (آلات) مخصوص قمار، چه با شرط بندی (مراهنه) باشد و چه بدون آن» و «هر نوع بازی همراه با شرط بندی» در نظر گرفته شود، معاملات رمزارزهای جهان‌روا

لذا بعد از احراز عرفی صدق معامله، اگر به هر دلیلی در صحت شرعی شک داشته باشیم، تا زمانی که دلیل خاص یا عام بر بطلان معامله نباشد، معامله از نظر شرعی صحیح است و آثار معامله بر آن مترتب می‌شود. در این خصوص، تفاوتی بین معاملات رایج در صدر اسلام و معاملات جدید وجود ندارد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این باره، همین که «عرف» و «بنای عقلا» حکم به روایی و مشروعیت یک قرارداد داد، فقیه هم با تکیه بر اصل صحت، آن را صحیح می‌پندارد مگر آنکه یک دلیل قطعی شرعی بر خلاف آن حکم کند.

عرفی بودن مفهوم پول

در این خصوص توجه به این نکته ضروری است که مفهوم پول اختراع شریعت نبوده و پدیده‌ای عرفی است و همان‌طور که پول درهم و دینار در عصر پیامبر رایج بود و مورد نهی شرعی قرار نگرفت، پول‌های اعتباری و بدون پشتوانه امروزی نیز همین وضعیت را دارد؛ یعنی پدیده‌ای عرفی است که در چارچوب شریعت مورد پذیرش واقع می‌شود. بر این اساس، اگر در آینده رمزارزها کارکرد پول پیدا کند و بتواند وظایف و کارکردهای اصلی پول شامل وسیله مبادله، معیار سنجش، ذخیره ارزش، و معیار پرداخت‌های معوق را ایفا کند، امکان پذیرش آن‌ها به عنوان پول به لحاظ شرعی با محدودیت خاصی مواجه نیست؛ چرا که اساساً پول مفهومی عرفی است و نه ابداع شریعت.

عرفی بودن مفهوم مال و مالیت

از منظر فقه اسلامی، مال و مالیت اساساً «مفهومی عرفی انتزاعی» است و نه «مفهومی شرعی». در واقع، معیار و مرجع برای تشخیص مال بودن و مالیت داشتن یک شیء صرفاً عرف است و برای استخراج این موضوع نیز باید به عرف مراجعه کرد. به عبارت دیگر، آنچه اعتبار دارد مالیت عرفی است و نه مالیت شرعی؛ لذا اگر فرض شود که یک شیء از نظر شارع مقدس مال نیست، ولی از نظر عرف مال محسوب می‌شود، این موضوع بر مال دانستن آن شیء خللی وارد نمی‌کند؛ بنابراین، اساساً ساقط کردن مالیت عرفی اشیا در وسیع شریعت نیست و آنچه شریعت می‌تواند انجام دهد، جلوگیری از آثار معاملات به صورت کلی یا جزئی است و نه سلب کردن جایگاه و اعتبار عرف در تعیین مالیت اشیا.

معتبر دانستن تمام انگیزه‌های عقلایی در شریعت

تمام انگیزه‌هایی که افراد به دلیل آن‌ها به انجام دادن معاملات اقدام می‌کنند، به لحاظ شرعی مورد تایید است، مگر آنکه نهی خاصی وجود داشته باشد. مثلاً خرید کالاها و خدمات به قصد مصرف، سرمایه‌گذاری، کسب سود، سیاستگذاری پولی و مالی، و غیره صحیح است. البته پذیرش تمام انگیزه‌های عقلایی محدود به ضوابط کلی شریعت اسلامی مانند ربا، قمار، غرر، و ضرر است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، فقیه در مواجهه با مسائل مستحدث، مایل است تا جایی که به اصول کلی شریعت اسلامی خدشه‌ای وارد نشود، عرف عقلائی اجتماع را محترم بشمارد و جز در مواردی که شارع مقدس نهی کرده، مانع اصل آزادی قراردادی و جریان آزاد دادوستد میان افراد اجتماع نشود؛ اما این تمایل به معتبر دانستن عرف و بنای عقلا را باید در چارچوب موانع فقهی نگریست.

شبهات فقهی

مهم‌ترین این شبهات و موانع عبارت است از:

شامل هیچ کدام نمی‌شود؛ زیرا رمز ارز از وسایل مخصوص قمار نیست و اساساً بدون شرط بندی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، اساساً منطق شرط بندی در رمز ارزها قابل تصور نیست و سود یک فرد الزاماً معادل زیان طرف دیگر محسوب نمی‌شود.

مالیت: در خصوص شبهه مالیت اشیا، همان گونه که پیش‌تر ذکرش آمد، فقیه می‌کوشد برای این سؤال که «چرا برخی از اشیاء نزد عرف، «مال» شناخته می‌شود و برخی دیگر مال به حساب نمی‌آید؟» پاسخی درخور بیابد. در واقع، فقیه با تامل در عرف عقلا بر آن است که در باید ملاک مال به حساب آمدن یک شیء نزد مردم چیست؟

پاسخی اجمالی که تقریباً تمام فقها در رابطه با آن اتفاق نظر دارند آن است که ملاک مال دانستن یک شیء، وجود نفع عقلایی در آن و به تعبیر دیگر منفعت محلله مقصوده است؛ یعنی منفعت حلالی که مورد توجه و قصد عقلا قرار می‌گیرد. اما پاسخ به این سؤال که مقصود از منفعت عقلایی چیست؟ فقیهان را به دو گروه تقسیم می‌کند؛ یکی آن‌هایی که ملاک عقلایی بودن منفعت را وجود هر نوع نفع عقلایی جهت ایجاد مالیت می‌دانند و دیگری آن‌هایی که وجود نفع عقلایی نوعی را برای ایجاد مالیت ضروری می‌پندارند.

دیدگاه گروه نخست که وجود هر نوع عرضه و تقاضا برای یک شیء را برای ایجاد مالیت کافی می‌داند و به ایجاد عرف عام جهت شکل گیری مالیت بی توجه است، منطقی تر و بیشتر هم راستا

در بررسی شبهه غرری بودن معاملات حوزه رمز ارزها را باید به رابطه مفهومی غرر و ریسک توجه کرد. در واقع، اگر ریسک و عدم اطمینان ناشی از جهل و ابهام در ارکان قرارداد (مانند ثمن و مثن در قرارداد بیع) باشد، مصداق غرر خواهد بود؛ اما چنانچه ریسک ناشی از ابهام و جهل نسبت به آینده دارایی باشد، مصداق غرر نیست و از این حیث معامله اشکالی نخواهد داشت.

با نیازهای روز جوامع به نظر می‌رسد. بر این اساس، «مالیت یک شیء هم از جهت اصل تحققش و هم از جهت مقدار مالیتش، بستگی به عرضه و تقاضا دارد. پس چیزی که هیچ منفعت ندارد، اگر به خاطر خرید و حفظ کردنش و یا خرید و معدوم کردنش غرض سیاسی دولت (یا سایر غرض‌های عقلایی) به آن تعلق بگیرد و وجود چنین غرض‌هایی نسبت به آن شیء سبب رغبت به خرید آن شود، خود وجود این رغبت و تقاضا سبب ایجاد مالیت در شیء خواهد شد.» بنابراین ملاک اصلی مالیت صرفاً وجود هر نوع تقاضا و شکل گیری بازار است و لازم نیست اکثر عقلا وجود چنین نفعی را در شیء تأیید کنند.

غرر: در فقه اسلامی، به معامله‌ای که در آن نوعی از خدعه یا خطر وجود داشته باشد، معامله غرری گفته می‌شود. در بررسی شبهه غرری بودن معاملات حوزه رمز ارزها را باید به رابطه مفهومی غرر و ریسک توجه کرد. در واقع، اگر ریسک و عدم اطمینان ناشی از جهل و ابهام در ارکان قرارداد (مانند ثمن و مثن در قرارداد بیع) باشد، مصداق غرر خواهد بود؛ اما چنانچه ریسک ناشی از ابهام و جهل نسبت به آینده دارایی باشد، مصداق غرر نیست و از این حیث معامله اشکالی نخواهد داشت.

در رابطه با رمز ارزهای جهان‌روا نیز زمانی که فرد به خرید آن‌ها اقدام می‌کند، از مقدار، ارزش دلاری یا ریالی آن‌ها، زمان تحویل، و غیره اطلاعات کامل دارد و فقط ممکن است اگر رمز ارزها را ننگه دارد در آینده با نوسانات قیمتی و ریسک مواجه شود. در اینجا ابهامی در ارکان قرارداد وجود ندارد و این ریسک منجر به ایجاد جهل و ابهام در ارکان قرارداد نمی‌شود و از این رو، چالش غرر در مورد رمز ارزهای جهان‌روا قابل پذیرش نیست.

نتیجه

انبان فقه را محدود دانستن به قواعدی خاک‌گرفته و ناکارآمد در پاسخ گویی به نیازهای روز، خطایی راهبردی است که محقق و مقنن را به انتزاع از واقعیات سوق خواهد داد. توشه‌دان فقیه معاصر پر است از ابزارهایی که می‌تواند گره از کار فرو بسته این نیازها بگشاید و راه سازگاری نظام حقوقی با پیشامدهای نو را هموار سازد. نه فقیه به تنهایی و با رویکرد تفوق جویانه برای تمشیت امور را خواهد داشت و نه حقوق دان با کوفتن بر طبل تک‌صدایی که هم‌جواری و همپایی این دو است که می‌تواند با تمسک به ضوابط و قواعد فقهی از یک سو، و انطباق با اصول بنیادین حقوقی نیازهای زمانه را باز شناخته و رخت قانون بر تن آن کند.

ظهور و توسعه رمز ارزها نه اولین نمونه این چالش‌هاست و نه آخرینش خواهد بود. تمرکز و تأکید بر قرائت عرفی و زمانمند از ضوابط فقهی، زمینه را برای برون رفت از چالش‌هایی از این دست مهیا خواهد ساخت. شفافیت بالا در ساختار و ماهیت فنی رمز ارزها از جمله ارز دیجیتال بانک مرکزی که با ثبت همیشگی و تغییرناپذیر تراکنش‌ها بر بستر بلاک چین، امکان ارزیابی و صحت‌سنجی را میسر می‌سازد، می‌تواند خود اماره‌ای باشد برای پذیرش فقهی مالیت آن‌ها. از سوی دیگر، مسئولیت قانونی و حقوقی مشخص و تعریف شده بانک مرکزی در خصوص این رمز ارز، ایراد نبود معتبر (اعتبار دهنده) را نیز رفع می‌کند. از این رو، تفاوتی میان CBDC با ریال وجود نخواهد داشت. فقط در توسعه این واحد پولی جدید از بستر بلاک چین و دفاتر کل توزیع شده استفاده شده است. ایراداتی از قبیل پول شویی، تأمین مالی تروریسم، فرار مالیاتی، تسلط بیگانگان و قاعده نفی سبیل و اخلال در نظام اسلامی نیز محلی از اعراب ندارد؛ چرا که این موارد جزو اوصاف ذاتی رمز ارزها نیست.

به هر روی، طرح شبهات فقهی و حقوقی، هر چند به اشراف بیشتر بر ابعاد موضوعی امر و استحکام چهارچوب حکمی آن منجر می‌شود، نباید فقیه و حقوق دان را از مواجهه با مسائل نو بر حذر داشت. آینده‌دق الباب کرده است. بهتر است به استقبالش برویم.